حمید سبزواری(شاعر) امیر حسین فردی(نویسنده) ابوالفضل عالی(گرافیست) شهید رسول کاظم‌نژاد(عکاس) حسن شایانفر(محقق) شهید احمد زارعی(شاعر) مهرداد اوستا (شاعر) نصرالله مردانی (شاعر) مسعودشجاعی‌طباطبایی(کاریکاتوریست) حبیب‌الله معلمی(شاعر) علیرضا قزوه(شاعر) محمد علی گودینی(نویسنده) علی‌محمد مؤدب (شاعر) مرحوم شهریار(شاعر) محمد مهدی سیار(شاعر) سیمین‌دخت وحیدی(شاعر) صلواتیان(نویسنده و تصویرگر)

شعر عاشقانه، به دقیقه اکنون!

رضا اسماعیلی

چه خبر دارد از حقیقت عشق
پای‌بنـــد هـــوای نفســـانی
خودپرستان نظر به شخص کنند
پاک‌بینـــان به صُنـــع ربانی
(سعدی)

عشق عطیه‌ای الهی و گرانبهاترین گوهر وجودی انســان است که در ادبیات عرفانی ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عشق، عمود خیمه آفرینش و شیرازه بند عالم هستی است. آدمی بدون عشق، به یتیمی می‌ماند کــه در برزخ غربت و تنهایی گرفتار اســت و «مرگ» سرانجام محتوم اوست:

دنیا بدون عشق، قبرستانی از تن‌هاست
آدم بدون عشق، جز یک روح تنها نیست

عشــق نیاز هنوز و همیشه انسان و بهترین دلیل «بودن و سرودن» است. در سایه‌سار نجابت و معصومیت عشق می‌توان طعم شیرین «شادی و آزادی» را چشید، از پیله «خودپرستی» بیرون زد، پروانگی آموخت، و به قاف کمال کرامت‌مندی انسان صعود کرد. از این منظر «عاشقانه سرودن» و تکریم و تعظیم حضرت عشق یک ارزش است که باید آن را پاس داشت:

طفیل هستی عشقند آدمی و پری
ارادتـــی بنما تا ســـعادتی ببری
(حافظ)

عشق، میوه ممنوعه نیست

بی‌هیچ تردیدی، امروز عشــق حیاتی‌ترین نیاز جامعه ماســت. از همین رو، ما باید به نسل مضطرب و وحشت‌زده امروز «دستور زبان عشق» و هنر«عاشقی کردن»را بیاموزیم. امروز دعوت به مهرورزی و دوست داشتن رســالت همه ماست و حنجره روشن و لطیف غزل، بهترین محمل برای ابلاغ این پیام انسانی است:

ای عشـــق! ای ترنم نامت ترانه‌ها
معشوق آشـــنای همه عاشقانه‌ها
ای معنی جمال به هر صورتی که هست
مضمـــون و محتوای تمـــام ترانه‌ها...
(قیصر امین پور، دستور زبان عشق)

دیگر این که عشــق نجیب و اصیل میوه ممنوعه نیست و شاعر امروز باید از عشق بگوید، و این بار امانتی است که از گذشته تا به امروز بر دوش غزل گذاشته شده است. رسالت غزل - در آوار سرب و سیمان و آهن - ابلاغ عشق، مهرورزی و «دوست داشتن» به جهانی است که به جز زبان اســلحه و خشونت را نمی‌داند و رفته رفته می‌رود تا در تســخیر کامل صنعت و فناوری، به دست روبات ها و آدم‌های ماشـــینی اداره بشـــود! و سهراب سپهری چه زیبا این دغدغه مقدس را فریاد کرده است:

در ایـــن کوچه‌هایـــی که تاریک هســـتند
من از حاصل ضرب تردید و کبریت می‌ترسم
من از ســـطح ســـیمانی قرن می‌ترســـم
بیا تا نترســـم من از شـــهرهایی که خاک
سیاشـــان چـــراگاه جرثقیـــل اســـت
مـــرا بـــاز کـــن مثل یـــک در بـــه روی
هبوط گلابـــی، در این عصـــر معراج پولاد
مـــرا خـــواب کـــن زیـــر یک شـــاخه
دور از شـــب اصطـــکاک فلـــزات
اگر کاشـــف معدن صبح آمد، صدا کن مرا
غیبتِ «هویت انسانی» زن

امـــا غـــزل عاشـــقانه امروز - به هـــزار و یک دلیـــل - از ذات نجیـــب و اصیـــل و جوهـــره فطری خویش به دور مانده اســـت! بـــدون تعارف باید گفت که نســـبت غزل عاشقانه امروز با غزل نجیب و اصیل پارسی- در بسیاری از موارد- نسبتی ظاهری و تصنعی است. شـــعرهایی که امروز در بعضی از صفحات ادبی مطبوعات، فضاهای مجـــازی، و کانال های اجتماعی بـــا عنوان «غزل عاشـــقانه» منتشـــر می‌شـــوند، در بســـیاری از موارد حکایت عریان عشق‌های خیابانی و جسم‌نگاری‌های شـــهوت‌زده‌ای هستند که کرامت مندی انســـان را زیر ســـوال می‌برند و چهره روشن «مسجود ملایک» را با قلم «نَفس» خط‌خطی می‌کنند. عاشـــقانه‌های بی‌ریشه‌ای که در صورت و سیرت هیچ نسبت معقول و مقبولی با عاشقانه‌های فاخر، ریشه‌دار و اصالت‌مند پارسی ندارند.

دردبزرگ شعر عاشقانه روزگار ما «صورت‌پرستی» است که غزل را نیز به روایت «عشق‌های صورتی» ناگزیر کرده است. «صورت پرستی» و سطحی‌نگری مقوله‌ای دراز دامن است که همچون سرطان به جان جامعه ما افتاده و همچون سایر عرصه‌ها ادبیات ما را نیز گرفتار کرده است. هر چند این نقیصه منحصر به شعر عاشقانه روز و روزگار ما نیست و در عاشقانه‌های شاعران متقدم نیز قابل ردیابی است، ولی در شعر روزگار ما از بسامد بیشتری برخوردار است.

در غزل عاشقانه معاصر منبع الهام شاعر در اغلب موارد تمایلات جنسی است، و این یعنی غزل عاشقانه ما همچنان در منزل صورت‌گری و صورت‌پرستی باقی مانده اســـت و نگاه شاعران به معشوق، از مرز جسم و تن و صـــورت فراتر نمی‌رود. از همین رو جانمایه اکثر اشعار، ترانه‌ها و تصنیف‌های عاشقانه، عریانی، تنانگی و تشـــویق به خودآرایی و جلوه فروشـــی بیشتر است. البته این که اقتضای شعر عاشقانه پرداختن به صورت و آب و رنگ معشوق است - در حد اعتدال و در دایره آموزه‌های اخلاقی - قابل قبول است. آنچه که مورد نقد است غفلت از«هویت انسانی» و نادیده گرفتن سایر ابعاد وجودی زن است. این که معشوق را تنها در جسمیت و جنسیت خلاصه کنیم و زیبایی‌های روحی، معنوی، عاطفی و اخلاقی او را نادیده بگیریم.

عاشقانه های ضد اخلاقی!

یکی از پژوهشگران گفته است: «شعر عاشقانه امروز عبارت است از مقداری تمنّا، مقداری سوز و گداز و سرانجام ســـخنی چند درمورد وصال که پایان همه چیز اســـت...!/ جلالی، بهروز، ۱۳۷۶، در غروبی ابدی، تهـــران، مروارید.» هر چند تعمیـــم چنین قضاوتی به همه عاشقانه‌های امروز دور از انصاف است، اما در مورد بخشـــی از آن صادق اســـت. با کمال تاسف باید گفت بخشی از عاشـــقانه‌های روز و روزگار ما وقیح و عریان و سرشار از توصیفات ضداخلاقی و اروتیک است.امروز شـــعر عاشـــقانه ما تا به آنجا تنزل پیدا کرده است که عفیف‌ترین مضمون بسیاری از شعرها «کشف حجاب» و باز کردن «گره روسری» شده است! رباعی زیر نمونه‌ای از این شعرهاست:

در جلوه درآ و عشـــق را معنا کن
کمتر ز نگاه مســـتِ من پروا کن
تا آن که شـــود گشایشی در کارم
لطفا گره روســـری ات را وا کن!

و این یعنی برجســـته کردن و در مرکز توجه قرار دادن «هویت جنســـی زن». به همین خاطر در آیینه عاشـــقانه‌ها نمی‌توان تصویر نجیب و انسانی زن اصیل شـــرقی را به تماشا نشست، تصویری تمام‌رخ، کامل و مستقل از جاذبه‌های جنسی و جسمانی. تصویر انسانیِ زنی که برای دیده شـــدن و به رسمیت شناخته شدن نیاز به ظاهرآرایی و جلوه فروشی افراطی نداشته باشد و همچون مردان بر اســـاس قابلیت‌ها و توانمندی‌های انسانی‌اش مورد قضاوت قرار گیرد.

مردانه گویی در غزل عاشقانه

متاسفانه شاعران زن نیز - به جز تعدادی انگشت شـــمار - به خاطر انفعال ادبـــی و مردانه‌گویی، نه تنها تـــلاش قابل توجهی برای مقابله با این ذهنیت غلط و رُتوش تصویر تک بُعدی و نیم رُخ خویش در شعر انجام نداده‌اند، بلکه گاهی خود نیز با سرودن اشعاری از این جنس و همنوایی با مردان، بر رونق این بازار افزوده‌اند! حال آن که برای مقابله با این وضعیت شایســـته‌تر آن بود که با زبان شـــعر به دفاع از هویت انسانی خویش بپردازند و به سیمای تحریف شده‌ای که در شعر عاشقانه از آنان ترســـیم شـــده، اعتراض کنند. شاعران مرد نیز فرصت‌طلبانه این سکوت را نشانه رضایت آنان دانسته و تا به امروز همچنان در تنور صورت‌پرستی دمیده‌اند. از همین رو، در غزل عاشـــقانه هر چه از معشوق گفته شـــده، توصیف محض جسم است و به ندرت می‌توان شعری هم‌تراز شـــعر پروین اعتصامی پیدا کرد که در آن زیبایی‌های روحانی و حقیقت انســـانی زن به جلوه درآمده باشد:

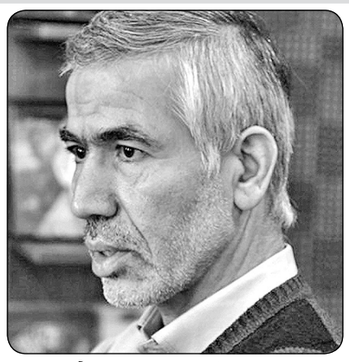

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست
در آن وجود که دل مرده، مرده است روان
کیســـت زنده که از فضل، جامه‌ای پوشد
نـــه آن که هیچ نیرزد، اگر شـــود عریان
نه بانوســـت که خود را بزرگ می شمرد
بـــه گوشـــواره و طوق و بیـــاره، مرجان
چو آب‌ورنگ فضیلت به چهره نیست چه سود
ز رنگ جامـــه، زربفت و زیور رخشـــان
برای گردن و دســـت زن نکـــو، پروین
سزاســـت گوهر دانش، نـــه گوهر الوان
شعر فارسی را «عفیف» نگه دارید

هم چنان که اشاره شد، امروز نیز نگاه بسیاری از شـــاعران به زن به عنوان کالایی جنســـی، لوکس، فانتزی و تجملی است، و همچنان ترکیبات و تعبیرات کلیشـــه‌ای سرشار از تنانگی و جسم محوری در بخش اعظمی از شـــعر عاشـــقانه روزگار ما توســـط شاعران عاشـــقانه سرا به کار می‌رود. با این تفاوت که تعبیرات، ترکیبات و تشبیهاتی از قبیل: لب غنچه، ابروی کمان، قد سرو، لب لعل، چشم شهلا، تیر مژگان، فلفل خال، ابروی کمان، گیسوی کمند و... به تعبیرات و ترکیبات مدرن‌تر و امروزی‌تری تبدیل شـــده‌اند. کاربرد چنین تشبیهاتی نشانه آن است که شعر عاشقانه ما در منزل صورت‌پرستی، جســـم‌نگاری و لذت‌اندیشی همچنان متوقف مانده است. این دامچاله‌ای است که امین شعر انقلاب نیز در دیدار اخیر خود با شاعران و اصحاب فکر و فرهنگ به آن اشـــاره کرده و شاعران را از فرو افتادن در آن بر حذر داشته‌اند:

«شعر فارسی از اوّلی که یک تبرّزی پیدا کرده تقریباً تا امروز، غالباً شـــعر عفیف بوده، شعر محجوب بوده؛ این را از روی بررســـی عرض می‌کنم؛ نه این که حالا هرزه‌گویی و پرده‌دری در شعر وجود نداشته؛ چرا، در گذشـــته هم بوده، البتّه کم؛ در دوران‌های اخیر هم بوده - مثلاً حالا از قبیل فرض کنید بعضی از اشعار ایرج یا خاکشـــیر و امثال اینها که شعرهای صریح و بی‌پرده و زشـــتی است- لکن اینها کم است؛ در شعر فارسی از اوّل، حتّی مثلاً فرض کنید در دوران شعر خراسانی که در مقدّمه قصائد و مطلع قصائد، مبالغی تعشّق و به قول خودشان شعرهای تشبیب -شعرهای مثلاً فرض کنید عاشقانه و امثال اینها- داشتند، آن حالت محجوبیّت و عفّت در اینها محفوظ بود... من برای این که درســـت روشن بشود مقصودم چیست، مقایسه می‌کنم با شعر عربیِ همان دوران؛ البتّه شعر عربی، امروز آن‌جور نیست؛ خوشبختانه شعر عربیِ امروز، شعر بسیارِ متعهّد و خوبی است...لکن در گذشته اینجور نبود. مثلاً فرض بفرمایید یک شاعری به خودش جرات می‌داد با یک زن شناخته شده در جامعه، با [بیان] اسم در شعر عشق بازی کند، تعشّق کند؛ این کار، کار رایجی بود؛ این را شما در شعر فارســـی نمی‌بینید، چنین چیزی وجود ندارد. در شعر فارسی، نسبت به معشوق اظهار علاقه و ارادت و محبّت و امثال اینها می شـــود، امّا او یک معشـــوق ناشناخته است، یک معشـــوقِ غالباً خیالی یا کلّی است؛ شخص معیّنی نیست...در شعر فارسی شما این را اصلاً مشاهده نمی‌کنیـــد؛ بله، در قصائدِ آن‌وقت یا بعد در غزلیّات، یا تشبیب هست - به قول خودشان تشبیب و نسیب - یا اصلاً تغزّل و تعشّق هست، امّا مطلقاً یک شخص خاصّی را با اســـمْ هدف قرار نمی‌دهند که نســـبت به او اظهار عاشـــقی [کنند]. البتّه در این آخر، شـــاملو از «آیدا» اســـم می‌آورد، امّا او زنش است، او عیال خودش است، او یک آدم بیگانه‌ای نیســـت؛ نسبت به او در شعرهای خودش اظهار تعشّق می‌کند. بنابراین شعر فارسی یک شعر عفیف است. خب، عرض کردم مواردی پیدا شده که پرده‌دری‌هایی کرده‌اند، حرف‌های زشتی- که انسان شرم می‌کند از اینکه اینها را بر زبان بیاورد یا حتّی گاهی به یاد بیاورد- گفته‌اند امّا این خیلی کم است. ما شعر فارسی را در طول تاریخ، عفیف سراغ داریم؛ این را نگه دارید؛ بایســـتی در محیط شعریِ ما این عفّت شعری محفوظ بماند. این یک نکته مهمّی است.

(بخشی از بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب به تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۷)

عاشقانه‌های صورتی: جمال، منهای «کمال»

نکته دیگر این که شاعران ما در شعر عاشقانه ویژگی‌هـــای یک معشـــوق خوب را به تمـــام و کمال تعریف نکرده‌اند، معشـــوقی که شایسته «همسری» و «مادری» باشد و زندگی در کنار او و در زیر یک سقف باعث آرامش، ســـعادت و خوشبختی شود. معشوق در غزل عاشقانه ما یعنی آب و رنگ، خط و خال و چشم و ابرو. نشانه‌هایی که به طور کامل ما را به جسمیت و جنسیت ارجاع می‌دهد. ولی از این که معشوق منهای این جمال ظاهری باید از چه کمالات اخلاقی، معنوی و انسانی برخوردار باشد، هیچ خبری نیست! و این چیزی جز «صورت‌پرستی» نیست.

در غزل عاشقانه ما تنها در «صورت زیبا» خلاصه می‌شود و «سیرت زیبا» داشتن برای عاشق مهم نیست. نتیجه آن که دختر و پسرهای جوانی که با خواندن این شعرها خود را لیلی و مجنون می‌پندارند و یک دل نه صد دل عاشق هم می‌شوند و خیلی رمانتیک ازدواج می‌کنند، بعد از شش ماه و در کمال ناباوری به دلیل «عدم تفاهم» از همدیگر طلاق می‌گیرند! بی‌شک در این فاجعه - بالا رفتن آمار طلاق - شـــاعران هم بی‌تقصیر نیستند. هر چند ممکن است عده‌ای که برای شعر هیچ‌گونه رسالت اجتماعی قائل نیستند، این گفته را حمل بر شوخی کنند.

چنـــان که می‌بینید از تبعات فرهنگ‌ســـازی غلط در شعر، متزلزل شـــدن کانون مقدس خانواده و گسترش ناهنجاری‌ها و آســـیب‌های اجتماعی است. یقیناً اگر ما در شـــعر عاشقانه به دنبال فرهنگ‌سازی بودیـــم، در کنار «صورت زیبا» به «ســـیرت زیبا» هم می‌پرداختیم، تا جوانان یاد بگیرند عشـــقی که با یک نگاه و بیرون از دایره هر گونه شناختی شکل می‌گیرد، چیزی جز هوس نیســـت. چنان که قرن‌ها پیش مولانا به درستی گفته است:

عشـــق‌هایی کز پی رنگـــی بُود
عشـــق نبود، عاقبـــت ننگی بُود

الفبای عاشقی و آداب دلبری

جان کلام آن که اگر ما در شعر عاشقانه به این دقایـــق و ظرایف توجه می‌کردیم و به جوانان «الفبای عاشقی» و «آداب دلبری» را به درستی می‌آموختیم، شاید امروز شـــاهد از هم پاشیدگی خانواده‌ها و ظهور «بحـــران طـــلاق» در جامعـــه نبودیم. ولـــی عیب ما اینجاست که از قدرت شگفت رسانه شعر غافلیم و شعر را یک مقوله صرفا شخصی و تفننی می‌دانیم که هدف غایی و نهایی آن تولید «التذاذ هنری» است و قائل به تاثیرگذاری اجتماعی آن نیســـتیم. به همین خاطر در شـــعر بی‌هیچ آداب و ترتیبی هر چه که دوست داریم می‌گوییم و نتیجه همین می‌شـــود که امروز می‌بینیم! به امید روزی که به رســـالت شـــعر ایمان بیاوریم و از قدرت بی‌بدیل آن در مسیر انسان‌سازی استفاده کنیم.

با آرزوی کمال و بالندگی هر چه بیش‌تر برای غزل نجیب و اصیل پارسی، این نوشتار را با دو عاشقانه فاخر و زیبا از شاعران معاصر به پایان می‌برم:

۱ـ

این زمهریر فصل شـــکوفایی تو نیســـت
چیزی بـــه جز تراکم تنهایی تو نیســـت
با صدهـــزار جلـــوه برون آمـــدی، ولی
چشـــمی برای دیدن زیبایی تو نیســـت
یک تـــن از این جماعت ابن الســـلام‌ها
مجنون یک کرشـــمه لیلایی تو نیســـت
نامردهـــا به غیـــر تنت را نخواســـتند
بـــا قیمتی که خرج تن‌آرایی تو نیســـت!
برق غرور وحشـــی یک ببر مـــاده کو؟!
در چشـــم‌های آهوی صحرایی تو نیست!
زیباترین! عروســـک اهریمنان شـــدن
شایســـته مقـــام اهورایی تو نیســـت!
(محمدرضا ترکی)

۲ـ

در شهر من این نیست راه و رسم دلداری
بایـــد بفهمم تا چه حدی دوســـتم داری
موســـی نباش اما عصا بردار و راهی شـــو
تا کی تو باید دســـت روی دست بگذاری
بیزارم از این پا و آن پا کردنت ای عشـــق
یا نوشـــدارو باش یا زخمی بـــزن کاری
من دختری از نسل چنگیزم که عاشق شد
بیگانـــه بـــا آداب و تشـــریفات درباری
هر کس نگاهت کرد چشـــمش را درآوردم
شـــد قصـــهٔ آغامحمدخـــان قاجـــاری
آسوده باش، از این قفس بیرون نخواهم رفت
حتـــی اگـــر در را برایـــم بـــاز بگذاری
چون شعر هرگز از سرم بیرون نخواهم کرد
بایـــد برای چـــادرم حرمت نگـــه داری
تو می‌رسی روزی که دیگر دیر خواهد بود
آن روز مجبوری که از من چشـــم برداری
(فاطمه سلیمان پور)

آگهی تجدید مناقصه (مرحله دوم)
امور خدماتی و پشتیبانی دانشگاه سمنان

دانشگاه سمنان

دانشگاه ســـمنان در نظر دارد امور مربوط به باغبانی، احیا، نگهداری و توسعه فضای ســـبز واحدهای تحت پوشش خود را در سال ۱۳۹۸ از طریق برگزاری مناقصه به پیمانکار واجد شـــرایط و دارای ســـوابق مفید در زمینه باغبانی، احیا و نگهداری فضای سبز واگذار نماید. از علاقه‌مندان به همکاری دعوت می‌شـــود، از روز یکشـــنبه مورخ ۹۷/۱۲/۱۲ لغایت سه‌شـــنبه مورخ ۹۷/۱۲/۱۴ همه روزه (به جزء ایام تعطیل) در ســـاعت اداری جهت آگاهی از شرایط و دریافت مدارک شرکت در مناقصه به آدرس زیر مراجعه فرمایند.
آدرس: سمنان، روبروی پارک سوکان، پردیس شماره یک، سازمان مرکزی، اداره عمومی (محل دریافت اسناد)، دبیرخانه مرکزی (جهت تحویل اسناد).
لازم به ذکر است، هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

«روابط عمومی دانشگاه سمنان»

شناسه: ۳۹۶۳۳۱

آگهی فقدان سند مالکیت

نظـــر بـــه اینکـــه آقای علـــی صدیقـــی و غیره بـــه شـــرح دادنامه حصـــر وراثت شـــماره ۹۶۰۹۹۷۸۶۷۷۲۰۰۲۷۲ مورخـــه ۱۳۹۶/۰۹/۲۷ شـــورای حل اختلاف تفـــرش وراث مرحوم حســـین صدیقی باستناد استشهادیه گواهی شـــده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی‌اند یک جلد ســـند مالکیت چهار ســـهم مشـــاع از هفت سهم ششـــدانگ پلاک ۲۶۵- اصلی واقع در بخش ۱۱ ثبت اراک شهرستان تفرش که متعلق مورث نامبردگان می‌باشـــد به علت جابه‌جایی مفقود گردیده با بررســـی دفتر املاک مشـــخص شد ســـند مالکیت اولیه ذیل ثبت ۱۷۹۰۱ صفحه ۴۳۸ دفتر ۴۴ به نام آقای حســـین صدیقی صادر و تسلیم شـــده که دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد، لذا باستناد تبصره ۱ اصلاحـــی ماده ۱۲۰-آیین‌نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشـــد بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشـــار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه ســـند مالکیت یا ســـند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۹۷/۱۲/۱۲

رئیس ثبت اسناد و املاک تفرش- جواد حیدری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شـــماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۴۴۷۴ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای عبدالامیر باقرپور فرزند تقی بشناسنامه شماره ۱۷۶ صادره از بهبهان به شماره ملی ۱۸۶۰۳۵۲۸۹۸ در شدشدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۲ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۷۷۰ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی رباب متقی‌نژاد محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـــود. در صورتیکه اشـــخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرضحال ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۱۲/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۱۲/۲۶

کاظمی - رئیس ثبت بهبهان

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای احمد رضایی فرزند محمد با تســـلیم دو برگ استشـــهاد محلی که در دفتر اســـناد رســـمی شـــماره ۸ ملایر گواهی گردیده مدعی است که سند مالکیت ششـــدانگ پلاک ۱۹۶۸ فرعی از ۳۵ اصلی واقع در بخش ۲ ملایر به ســـریال سند ۵۸۷۱۳۸ ذیل ثبت ۱۲۲۸ صفحه ۱۹۷ دفتر ۸۹ صادر گردیده در اثر جابجایی مفقود گردیده. لذا به اســـتناد تبصره الحاقی ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب اعلام تا در صورتیکه کســـی مدعی انجام معامله یا وجود ســـند مالکیت نزد خود می‌باشد از تاریخ این آگهی به مدت ۱۰ روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد ملایر اعلام در غیر این صورت پس از انقضا مهلت مقرر نســـبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام و ســـند مالکیت از درجه اعتبار ســـاقط و باطل تلقی و سند المثنی صادر می‌گردد.

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر
محمدرضا امینی

م الف ۷۹۳

آگهی انحصار وراثت

بحکایت پرونده ۹۷۰۹۰۶ شـــعبه سوم شـــورای حل اختلاف بروجن آقای اشـــکان بابادی عکاشه فرزند سهراب به شماره شناسنامه: ۴۶۴۰۱۳۰۱۳۹ در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ بدرود حیات نموده و وارث حین‌الفوت متوفی عبارتند از:
۱- زهرا قربانی‌پور نقنه ش‌ش ۴۶۴۰۱۵۶۱۱۱ صادره از بروجن همسر متوفی
۲- مینا صالحی ش‌ش ۳ صادره از بروجن مادر متوفی
۳- ســـهراب بابادی عکاشـــه ش‌ش ۳ صـــادره از بروجن پدر متوفی وارث دیگری نـــدارد اینک با انجام تشـــریفات مقدماتی درخواست مزبور در روزنامه محل آگهی می‌گردد تا هرکس اعتراض دارد یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشـــد از تاریخ نشـــر آگهی ظرف یک ماه به این شـــعبه اعلام دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه جز سری و رسمی که بعد از موعد مقرر ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر می‌باشد.

رئیس شعبه سوم شورای حل اختلاف بروجن - کیهانی

آگهی حصر وراثت

برابر محتویات پرونده کلاســـه ۹۷۰۵۷۶ شـــورای حل اختلاف گندمان آقای عباس اسکندری در تاریخ ۹۷/۱۲/۵ درخواســـتی به این شورا تقدیم داشته و توضیح داده که مرحوم غلام اسکندری گندمانی فرزند مرحوم مصطفی به شـــماره شناســـنامه ۱۵۶۴ در تاریخ ۹۷/۱۰/۲۱ محل اقامـــت‌گاه دائمی خود واقع در گندمان فوت گردیده و وارث حین‌الفوت متوفی عبارتند از: ۱- خانم مملکت اســـکندری فرزند مرتضی به ش‌ش ۵۰ نســـبت با متوفی زوجه ۲- آقای عباس اســـکندری فرزند غلام به ش‌ش ۷۷ نسبت با متوفی پســـر ۳- آقای علیرضا اسکندری فرزند غلام به ش‌ش ۵۷ نســـبت با متوفی پسر ۴- آقای غلامحسین اســـکندری فرزند غلام به ش‌ش ۲۰۰۸ نســـبت با متوفی پسر ۵- خانم پریوش اسکندری فرزند غلام به ش‌ش ۵۸ د نسبت با متوفی دختر ۶- خانم مهوش اسکندری فرزند غلام به ش‌ش ۶۲۹۹۸۰۸۸۶۱ نسبت با متوفی دختر ۷- غلامرضا اســـکندری فرزند غلام به ش‌ش ۶۲۹۹۷۰۷۶۲۳ نســـبت با متوفی پسر و به غیر از هفت نفر ورثه فوق‌الذکر وراث دیگری ندارد اینک با انجام تشـــریفات مقدماتی درخواســـت مذکور مستند به تبصره ماده ۳۶۱ قانون امر حسبی در یک نوبت در محل آگهی می‌گردد تا هرکس اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از آن مرحوم نزد او باشـــد از تاریخ نشـــر آگهی ظرف مدت یک ماه به این شورا اعلام دارد و الا گواهی صادره و هر وصیت‌نامه اعم از رســـمی یا غیررســـمی که بعد از موعد مقرر ارائه شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر است.

رئیس شورای حل اختلاف گندمان - بهمن کشاورز

آگهی تغییرات اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی کارفرمایی آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه‌ای تک رشته‌ای‌ها (توربافی - قلاب‌دوزی) شهرستان بروجن

به اســـتناد ماده ۱۳۱ قانون کار و آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۹/۸/۸ هیئت وزیران و به موجب صورت جلســـه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۶ هیئت مدیره و ســـایر مدارک تســـلیمی اســـامی هر یک از اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره انجمن صنفی که از تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۶ لغایت ۱۴۰۰/۷/۵ انتخاب شده‌اند و نیز بازرسان که تا تاریخ ۱۳۹۸/۷/۵ معتبر خواهند بود به شرح ذیل می‌باشد. ۱- زهرا سهرابی (رئیس هیئت مدیره) ۲- زهرا حقیقـــی (نایب رئیس) ۳- فاطمه باقری (خزانـــه‌دار) ۶- لیلا امیری مطلق (عضو علی‌البدل هیئت مدیره) ۷- فریبا پدیدار (بازرس اصلی) ۸- پروانه طایفی (بازرس علی‌البدل) ضمنا برابر تبصره ماده ۲۶ اساسنامه انجمن صنفی کلیه مکاتبات اداری و اوراق عادی انجمن با امضا رئیس هیئت مدیره یا دبیر ممهور به مهر انجمن و کلیه اســـناد مالی اوراق رســـمی بهادار و قراردادهای تعهدآور که به تصویب هیئت مدیره رسیده باشد با امضای مشترک صاحبان امضا و ممهور به مهر انجمن صنفی معتبر خواهد بود.

سیدحفیظ‌الله فاظلی چهارمحالی _ مدیرکل تعاون کار و رفاه اجتماعی

دادنامه

به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ پرونده کلاســـه ۴۴۶/۹۷ ش ۶ ب شـــماره دادنامه مرجع رسیدگی: شعبه ششم (فرادنبه) شورای حل اختلاف بروجن خواهان: آقای عبدالخلیل علوی فرادنبه فرزند نورالدین به نشـــانی: فرادنبه - بلوار آزادی - کوچه شـــهید رجبی خوانده: آقای امیرضا روزبه فرزند محمود به نشانی مجهول‌المکان خواســـته: مطالبه به تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ در وقت فوق‌العاده شعبه ششم (فرادنبه) شورای حل اختلاف حوزه قضائی بروجن با حضور امضاکنندگان ذیل تشکیل است پرونده کلاسه ۴۴۶/۹۷ از دفتر شورا واصل تحت نظر قرار گرفت با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و به شـــرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌گردد. (رای قاضی شورا) در خصوص دعوی آقای عبدالخلیل علوی فرادنبه فرزند نورالدین به طرفیت آقای امیررضا روزبه فرزند محمود به خواســـته مطالبه مبلغ سی‌وسه‌میلیون ریال وجه یک فقره چک به شماره ۸۰۴۰۵۸ مورخ ۱۳۹۵/۶/۳۱ عهده بانک کشاورزی شعبه احمدآباد مشـــهد به انضمام خسارت دادرسی و خسارت تاخیر تادیه با توجه بـــه محتویات پرونده و گواهینامه عدم پرداخت وجـــه چک از ناحیه بانک محال علیه و با توجه به اظهارات خواهان در جلسه رسیدگی مورخه ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ عدم حضور خوانده علی‌رغم ابلاغ قانونی و نظر به اینکه اصل ســـند تجاری در ید دارنده حکایت از مدیونیت صادرکننده و ظهور در اشتغال ذمـــه وی دارد و نظر به اینکه از ناحیه خوانده دلیلی کـــه حکایت از پرداخت وجه چک نماید ارائه نگردیده فلذا با توجه به نظریه مشـــورتی اعضای شورا به شرح صورتجلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ و با احراز اشـــتغال ذمه خوانده و استصحاب دین و مستنداً به ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف و مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۳ از قانون تجارت و تبصره الحاقی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بـــه ماده ۲ قانون صدور چک و مـــواد ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ از ق.آ.د.م ح حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ سی‌وســـه میلیون ریال بابت اصل خواسته و پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررســـید چک تا زمان اجرای حکم بر اساس شـــاخص اعلامی از ناحیه بانک مرکزی و پرداخت یک میلیون و دویست و هشتاد و هفت هزار و پانصد ریال هزینه دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می‌گردد. رای صادره غیابی و ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شورا و سپس ظرف مدت ۲۰ روز پس از آن قابل تجدیدنظر در محاکم عمومی حقوقی بروجن می‌باشد.

قاضی شعبه ششم (فرادنبه) شورای حل اختلاف بروجن - روح‌اله محمدی

آگهی ابلاغ

بدینوســـیله به آقای عزت‌اله پورمند فرزند احمد متولد ۱۳۴۲/۱۰/۱۸ به شـــماره ملی ۵۶۶۹۵۲۵۷۴۴ و خانم ارکناز سلیمی اطور فرزند امین متولد ۱۳۴۷/۵/۲۰ به شماره ملی ۵۶۶۹۳۹۲۹۹۱ ابلاغ می‌شود که خانم رویا دروشی جهت وصول مهریه خود به استناد سند ازدواج شماره ۱۴۳۴۲- ۹۴/۷/۷ علیه مورث شما (میثم پورمند) اجرائیه صادره نموده و پرونده اجرایی به کلاسه ۹۷۰۰۲۲۳ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخه ۹۷/۱۰/۲۷ مامور، با توجه به عدم شناسایی آدرس شما ابلاغ واق